ارتش جنسی یا نظامی؟

آمریکایی‌ها پرونده‌ای ۱۵۰۰صفحه‌ای رو کرده‌اند که در آن، بیش از سه‌هزارو۳۷۴ تجاوز جنسی در ارتش آمریکا به ثبت رسیده. آمار نشان می‌دهد این یک هشتم واقعیت موجود است.

عکس: AP

آرمان بیگی

روز ۱۷می همین سال، یعنی درست چند هفته پیش، روز سیاهی برای آمریکا به ویژه برای ارتش این کشور بود؛ روزنامه «یو اس آ تودی» در صفحه اولش مطلبی را روی جلد برده که همه را شوکه کرد: «تجاوز جنسی در سال ۲۰۱۲ در ارتش، بیش از هر زمان دیگری است»؛ در این صفحات اشاره به موارد متعددی شده است: یکی از سربازان زن در سربازخانه مورد تجاوز قرار گرفته است، دیگری در انبار و زن سوم هم در میدان تیر. یکی دیگر در نیروی دریایی توسط مافوقش که مدرس تاکتیک‌های دفاعی بوده مورد تجاوز قرار گرفته و نفر بعدی هم توسط یک گروهبان. البته این خبرهای تکان‌دهنده فقط مربوط به زنان نیست؛ دو سرباز جوان مرد هم با بطری مورد تجاوز قرار گرفته‌اند و ... این گزارش نشان می‌دهد شمار تجاوز در ارتش آمریکا بیش از هر زمان دیگری است؛ گزارشی هزارو۵۰۰ صفحه‌ای که در اختیار پنتاگون قرار گرفته و جزییات تکان‌دهنده دیگری هم دارد: در هر هفته به طور میانگین ۵۰۰ زن و مرد در ارتش مورد اذیت و آزار جنسی قرار می‌گیرند. این در شرایطی است که گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۲ بیش از سه‌هزارو۳۷۴ مورد تجاوز ثبت شده. این به آن معنی است که در مقایسه با سال پیش از آن، اذیت و آزار جنسی شش‌درصد افزایش داشته است. اوج تحقیر برای ارتش آمریکا در این گزارش به زمانی برمی‌گردد که یکی از افسران بلندپایه ارتش سرباز جوانی را به زور وادار می‌کند تا به خواسته‌اش تن دهد. «یو اس آ تودی» در ادامه مطالبی که نوشته سوال مهمی هم می‌پرسد: «چرا نظامی‌ها نمی‌توانند جلوی چنین رفتارهایی را بگیرند؟»

۲۶هزار مورد تجاوز در سال ۲۰۱۲

دو روز بعد از آن ماجرا روزنامه «ژورنال دو دیمانش» فرانسه حکایت وحشتناک‌تری از این اتفاقات در صفحاتش می‌آورد. این روزنامه برملا کرده آمار تجاوز در سال ۲۰۱۲ در ارتش آمریکا نزدیک به ۲۶ هزار مورد بوده که فقط یک هشتم آن ثبت شده است! ارتش آمریکا در واقع یک‌بار دیگر در دنیا طوفان به راه انداخته و این‌بار سیاست را علیه واشنگتن تحریک کرد تا بالاخره برای یک‌بار هم که شده جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها گرد یک میز جمع شوند. این بار برای صلاح دو حزب و البته صلاح اوباما، پنتاگون و کنگره هم که شده بود باید زود به این پرونده رسیدگی می‌شد. هدف این نشست که روز ۱۹ ماه می برگزار شد هم یک چیز بود: متوقف‌کردن جریانی تکان‌دهنده در بزرگ‌ترین ارتش دنیا. سریال سیاه تجاوز در ارتش آمریکا روز ششم ماه می کلید خورد؛ «جفری کروزینسکی» یکی از مقامات بلندپایه نیروی هوایی بازداشت شد. علت؟ این کلنل بلندپایه در پارکینگ و در شرایطی که مست بوده به یکی از سربازان زن تجاوز می‌کند. فردای آن روز پنتاگون گزارشی می‌نویسد و حدس می‌زند که به طور غیررسمی ۲۶ هزار مورد اذیت و آزار جنسی در سال ۲۰۱۲ رخ داده است. با حسابی سرانگشتی و با نگاهی به یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر زن و مردی که در ارتش آمریکا مشغول به خدمت هستند می‌توان به این نتیجه رسید که روزانه نزدیک به ۷۰ مورد تجاوز در ارتش آمریکا رخ می‌دهد. این در شرایطی است که فقط سه‌هزارو۳۷۴ مورد به طور رسمی ثبت شده که فقط از سال ۲۰۱۰ تا به حال ۱۹۱ نفر بازجویی شده‌اند. آمار نشان می‌دهد که قربانیان و مسوولان امر راهی بهتر از سکوت در برابر چنین فاجعه‌ای پیدا نکرده‌اند. البته این راه هم نه تنها کار ساز نبوده بلکه شمار تجاوز را هر سال از سال قبل بیشتر کرده است.

اصلاحات در ارتش

اما هفته پیش خبر تجاوز دو افسر عالیرتبه به زیردستانشان باعث شد تا پای «اوباما» هم به کنفرانس خبری کشیده شود. او که بسیار عصبی به نظر می‌رسد کلمات تندی به زبان آورد: «شرم‌آور است. این یک فاجعه است که وضعیت نیروهای نظامی ما را متزلزل می‌کند و ارتش را در بحران فرو می‌برد.» کار تا جایی پیش رفت که رییس‌جمهور آمریکا از «تهدید» هم نام برد: «این موارد، امنیت ملی ما را هم زیر سوال می‌برد و تهدید می‌کند.» حالا کار تا آنجا پیش رفته که «چاک هاگل» وزیر دفاع آمریکا می‌گوید دو لایحه برای بهبود و از بین‌بردن چنین شرایطی، این هفته در اختیار کنگره قرار می‌دهد: «قرار است اصلاحیه‌ای برگرفته از ارتش بریتانیا را در اختیار کنگره قرار بدهیم تا شرایط، بحرانی‌تر نشود؛ موضوع این است که می‌خواهیم رسیدگی به چنین جرایمی را به دستان کمیته‌ای مستقل بسپاریم و از طرفی مانع از این شویم که فرماندهان به طور مستقیم در عزل نیروهایشان ایفای نقش کنند.» اما این طرح هم نتوانسته این قربانیان را راضی کند؛ «برایان لوییس» یکی ازهمین آدم‌هاست؛ او اولین فردی بود که در کنگره حاضر شد و ماجرای تجاوزی که به او در سال ۲۰۰۰ شده بود را توضیح داد. او می‌گوید مطرح‌کردن چنین مسایلی از سوی وزیر دفاع بی‌فایده است: «اینکه ساز و کار ماجرا را به دست نهاد مستقلی بسپاریم هیچ دردی را دوا نمی‌کند. سیستم کنونی مشکل دارد چراکه بیشتر تجاوزها توسط مافوق‌ها صورت می‌گیرد که در نهایت کسی هم تمایلی به شفاف‌سازی در این مورد ندارد.» زمانی که برایان به خاطر آزار و اذیتی که یک افسر به او کرده شکایت کرده، افسران رده بالا از او خواسته‌اند سکوت کند: «به جای اینکه از من حمایت کنند برایم پرونده‌ای درست کردند و نامش را گذاشتند «نداشتن تعادل روانی» این به آن معنی بود که من نه‌تنها هیچ غرامتی نمی‌گیرم بلکه تا آخر عمر هم با این تشخیص شناخته می‌شوم.» برایان تنها قربانی این اتفاق‌ها نیست؛ «بریژیت مک‌کوی» که دوبار پیاپی در اواخر دهه ۸۰ مورد تجاوز قرار گرفته، می‌گوید زمانی که قصد داشت برود و شکایت کند از ارتش اخراجش کردند. او حالا فعال اجتماعی است و در موسسه‌ای که به زنان کمک می‌کند مشغول است: «به ما نظامی‌ها به چشم سوپرقهرمان نگاه می‌کنند. نباید وجهه آنهایی که از کشور دفاع می‌کنند را خدشه‌دار کرد. این موارد خلاف اصول میهن‌پرستی است. در ارتش آمریکا نوعی حس مصونیت از مجازات در برابر تجاوزهای جنسی وجود دارد. متاسفانه همین مورد باعث شده تا افسران رده بالا زیردستانشان راحالا چه زن و چه مرد باشد مورد آزار و اذیت قرار دهند.» در ۲۶هزار مورد آزار جنسی‌ای که اعلام شده تقریبا نصفی از آنها مرد بوده‌اند؛ ۵۰درصد توسط مافوقشان مورد تجاوز قرار گرفته‌اند و ۲۳درصد هم توسط افسران هم‌رده‌شان. ژنرال «اودرنو» یکی از مقامات بلندپایه نیروی زمینی ارتش آمریکا هم دیگر نفری است که این اتفاقات را نقطه تاریک و شکننده‌ای برای ارتش آمریکا توصیف می‌کند: «این روزها ارتش برای حمایت از سربازان خودش شکست خورده است. زمان آن رسیده که مبارزه علیه تجاوز جنسی را در راس برنامه‌ها قرار دهیم.» این صحبت‌ها در شرایطی مطرح می‌شود که «بریژیت مک‌کوی» معتقد است ارتش این روزها افرادی را استخدام می‌کند که کاری ندارند و پیوستن به ارتش برایش آخرین راه است. بنابراین طبیعی است که در برابر چنین اتفاقات تلخی سکوت کنند و حرفی نزنند.

روایت یک قربانی

نیکل باون، یکی از سربازان ارتش آمریکا که مورد تجاوز قرار گرفته، در گفت‌وگو با روزنامه «لو پاریزین» می‌گوید دچار اختلالات روانی شده است.

برای نیکل باون استخدام در ارتش حس دوگانه‌ای داشت؛ خوشحال بود که کاری پیدا کرده و می‌تواند خرج تحصیلش را بپردازد و در آرمان‌هایش هم آن روز را می‌دید که برای کشورش کار مهمی انجام می‌دهد؛ اما در شبی از شب‌های عراق در سال ۲۰۰۳ حس دوم که حس انزجار بود، بر او غلبه کرد و از حضور در ارتش به غیر از مشکلات روحی- روانی چیزی نصیبش نشد. یکی از گروهبان‌های ارتش آمریکا در عراق در آن سال به او تجاوز کرد ... ۱۰ سال بعد، باون حاضر شده در گفت‌وگویی اتفاقات را شرح دهد.

زمانی که به ارتش پیوستی چه دلایلی برای خودت داشتی؟

سال ۲۰۰۱ و در سن ۳۱ سالگی به ارتش ملحق شدم چون ارتش در ازای سه سال خدمت، پول تحصیل را پرداخت می‌کرد. واقعیت این است که اصلا فکرش را نمی‌کردم سال ۲۰۰۳ که سال‌های ابتدایی جنگ در عراق بود به این کشور فرستاده شوم. تجربه بسیار وحشتناکی برای من بود؛ من از بمب می‌ترسیدم و بدترین دوران زندگی‌ام را تجربه کردم آن هم با توجه به اتفاقی که برای من افتاد... من در آنجا مسوول کامپیوتر بودم. یکی از شب‌های ژوئن ۲۰۰۳ در پایگاهی در جنوب عراق مشغول به کار بودم که توسط سرهنگی از دسته‌های دیگر مورد تجاوز قرار گرفتم.

نرفتی شکایت کنی؟

نه. با مافوق دسته خودمان در این‌باره حرف زدم ولی شکایت نکردم چون می‌ترسیدم خودم قربانی این بازی شوم. جوی که بر آنجا حاکم بود جوی کاملا هوسران بود چون دختران کمی آنجا حضور داشتند که از آنها مثل یک تکه گوشت استفاده می‌کردند. طوری با ما رفتار می‌شد که انگار برای مسایل جنسی به آنجا رفته‌ایم نه کار دیگری. از همه بدتر اینکه به این مسایل به چشم موارد متعارف نگاه می‌شد.

وقتی با مافوقت این موضوع را در میان گذاشتی او چه توصیه‌ای به تو کرد؟

او آدم مهربانی بود ولی وقتی این موضوع را به او گفتم به من گفت اگر شکایت کنی ممکن است شرایط از اینکه هست برایت بدتر شود. از طرفی نمی‌توانستم ارتش را رها کنم چون این‌طوری فراری محسوب می‌شدم و به اهدافی که داشتم نمی‌رسیدم. چاره‌ای نداشتم به غیراز اینکه تا پایان خدمتم بمانم. این‌طوری شد که هشت ماه دیگر یعنی تا فوریه ۲۰۰۴ در ارتش ماندم.

در بازگشتت به آمریکا سراغ کسی رفتی تا در این مورد به تو کمک کند؟

بله. موضوع این است که روزبه‌روز بدتر می‌شدم. به‌شدت ناامید شده بودم و حتی به سرم زد تا خودکشی کنم. نمی‌توانستم صبح‌ها از جایم بلند شوم و هیچ میلی به زندگی‌کردن نداشتم. رفتم و با یک روانشناس از دپارتمان «مبارزان قدیمی» صحبت کردم ولی نتوانستم به او بگویم چه اتفاقی برایم رخ داده است. او به من پروزاک (یکی از مشهورترین داروهای روان‌گردان) داد. من مصرف قرص‌های ضدافسردگی را ادامه دادم و در طول دو سال هم به دیدن روانپزشک رفتم تا اینکه بالاخره درسم تمام شد.

علایم افسردگی‌تان برطرف شد؟

بله. ولی دو سال درگیر بودم. قبل از اینکه این علایم برطرف شود هر شب کابوس می‌دیدم. آرزو داشتم بمیرم و از این وضع نجات پیدا کنم، اما بعد از آن ماجرا دوباره افسرده شدم تا اینکه در سال ۲۰۱۱ در یکی از این فروم‌ها با زنی آشنا شدم که کارش حمایت از قربانیان تجاوزهای جنسی بود. او برای من از تجربیاتش گفت و من هم بالطبع شروع کردم به حرف‌زدن. داستانم را برای اولین‌بار به زبان آوردم آن هم درحالی که نزدیک به دوساعت در آغوشش داشتم گریه می‌کردم. همه می‌دیدند چه اتفاقی افتاده است. اسم آن خانم سوزان آویلا- اسمیت بود. او همان فردی است که جان مرا نجات داد. بعد به من کمک کرد تا دوباره پرونده‌ام را به دپارتمان مبارزان قدیمی ببرم. آنجا تشخیص دادند که من دچار استرس بعد از حادثه شده‌ام و توانستم حقوق بازنشستگی بسیار کمی را از موسسه‌ای که قبلا در آن کار می‌کردم بگیرم.

این روزها حالت چطور است؟

نقاشی می‌کشم و روی پروژه کتابی درباره ۲۲ زن سرباز کار می‌کنم. اینها به من کمک می‌کند. پیش دکتر روانپزشک می‌روم و تحت درمان هستم. اگر می‌بینید حاضر شدم در این گفت‌وگو شرکت کنم به این خاطر است که می‌خواهم به بقیه قربانی‌های این حادثه کمک کنم. این اتفاقی است که افتاده ولی باید با آن مبارزه کرد.

گزارش

وقتی مسوولان ارتش آمریکا تجاوز می‌کنند

رشد ۳۷ درصدی تجاوز در یک سال

یکی از آخرین فاجعه‌هایی که در ارتش آمریکا روی داد در پایگاه هوایی لاکلند در تگزاس بود؛ ۵۹ سرباز که برای کلاس‌های آموزشی به این کمپ رفته بودند توسط ۲۳ مدرس ارتش مورد تجاوز قرار گرفتند. درامی که آمریکا را شوکه کرد. با این حال این خبر، تکان‌دهنده‌تر از رسوایی‌ای که بعد از این ماجرا صورت پذیرفت نبود؛ دو کلنلی که مسوول مبارزه با تجاوز جنسی در ارتش بودند خودشان پرونده‌ای مبنی بر تجاوز به زیر دستانشان داشتند! اولی جفری کروزینسکی ۴۱ ساله بود که در دسته ۸۲ نیروی هوایی خدمت می‌کرد و در نیروی هوایی، مسوول مبارزه با تجاوز جنسی بود؛ او همان فردی است که در پارکینگ به یکی از سربازان زیر دستش تجاوز کرده بود و بعدها بازداشت شد هر چند که با پرداخت پنج‌هزار دلار جریمه از زندان آزاد شد تا در ماه ژوییه دوباره به پرونده‌اش رسیدگی شود. دومی هم گرگوری مک کویین ۳۷ساله است که مسوول مبارزه با تجاوز جنسی در پایگاه «فورت هود» تگزاس بوده است. به گزارش CBS او به یک نفر تجاوز کرده و دو نفر دیگر را هم قصد داشته اغوا کند که با مقاومت این نیروها مواجه شده است. با این حال شکایتی که از او شده را روزنامه « یو اس آ تودی» منتشر کرده تاکنون ماجرای پرونده او همچنان باز باشد. رسانه‌ای‌شدن چنین موضوعاتی حالا داد دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان را با هم درآورده است و منتقدان هر دو جبهه، انتقادات سختی را متوجه این سیستم کرده‌اند. پیش از این در ارتش آمریکا رسم بر این بوده که اینگونه شکایت‌ها توسط مافوق‌ها صورت می‌گرفت و بعضا آنهایی هم که متهم می‌شدند به راحتی شامل تبصره می‌شدند. اما حالا که بسیاری از این تجاوزها توسط خود مافوق‌ها صورت گرفته خیلی‌ها می‌خواهند چنین قوانینی تغییر کند. در گزارش «پنتاگون» البته مورد نگران کننده‌ای هم هست؛ در سال ۲۰۱۱، ۱۹هزار مورد تجاوز در ارتش عنوان شد که حالا عدد ۲۶هزار تجاوز در سال۲۰۱۲، افزایش وحشتناک ۳۷ درصدی تجاوز در ارتش آمریکا را نشان می‌دهد. این در شرایطی است که در سال۲۰۱۱ مواردی که به‌طور رسمی ثبت شده سه‌هزارو۱۹۲ مورد عنوان شد و در سال۲۰۱۲ موارد رسمی ثبت شده سه‌هزارو۳۷۴ مورد بوده که این هم رشد شش‌درصدی را نشان می‌دهد.

ادامه از صفحه ۸

«پهپاد» و «کامی‌کازه» دوروی یک سکه

«ما»، در اوج تصنع‌گرایی، قبول داریم که زندگی را به‌قدری دوست داریم که گاهی اوقات به حد افراط از آن مراقبت می‌کنیم. عشق بیش از حد به خود که قطعا در صورتی که اینقدر به لذت‌جویی به جای عزت نفس اهمیت نمی‌داد، قابل توجیه بود. پس برخلاف آنچه که نویسنده بیان می‌کند، این زندگی «خود» ماست که گرامی‌اش می‌داریم تا زندگی به مفهوم عمومی آن. اگر پدیده‌ای به نام «تروریست انتحاری» آمریکایی وجود ندارد- خانه‌ای توخالی در ورطه ذهن- به این علت است که با ما سازگار نیست. در اینجا، زندگی نمی‌تواند خود را انکار کند بلکه تنها برای دیگران آن را انکار می‌کند.

چه کسی ترسوست؟

«یا دال سراج» رییس برنامه سلامت ذهنی غزه، پاسخ به این سوال را که: «آیا این درست است که فلسطینیان نه‌تنها برای زندگی خود بلکه برای زندگی نزدیکانشان هم، ارزشی قایل نیستند؟» اینگونه توضیح می‌دهد: «چگونه می‌توانید به انسانیت خودتان اطمینان داشته باشید در صورتی که انسانیت دشمنانتان را قبول ندارید؟!»[۱۲]

نفرت در برابر نفرت، چگونه کشتن دشمنان در حالی که جان خود را در معرض خطر قرار نمی‌دهید، نسبت به وقتی که مرگ خود را با آنها تقسیم می‌کنید، ایراد کمتری دارد؟! چگونه سلاحی که به شما این امکان را می‌دهد تا دشمنانتان را از راه دور از پا درآورید کمتر نفرت‌انگیز است؟! «ژاک لین رز» استاد دانشگاه انگلیسی، با ابراز تعجب نسبت به این مساله که پرتاب کردن بمب‌های خوشه‌ای از آسمان برای رهبران غرب نه تنها از انزجار کمتری برخوردار است که از نظر اخلاقی هم نسبت به «بمب‌گذاری انتحاری» بالاتر محسوب می‌شود، بیان می‌کند که: «چرا باید کشتن دشمنانتان در حالی که در کنار آنها می‌میرید، نسبت به زمانی که در جایی بسیار دور در امنیت به سر می‌برید، گناه بیشتری داشته باشد؟!»[۱۳]

«هوگ گوسترسون» می‌گوید: حتی انسان‌شناسی که از سیاره مارس آمده باشد هم به این مساله پی می‌برد که بسیاری در خاورمیانه نسبت به هواپیمای بدون سرنشین همان احساسی را دارند که آمریکاییانی مثل ریچارد کوئن، نسبت به بمب‌گذاری‌های انتحاری. استفاده از این هواپیماها در نظر آنها، عملی است دال بر ترس، زیرا خلبان آنها هدف خود را از کابینی دارای امنیت بالا و در مکانی دورافتاده در «نوادا» بدون آنکه کوچک‌ترین خطری آنها را از جانب دشمنانشان تهدید کند، می‌کشند.

«طلال اسد» انسان شناس، دلیل ترس مردم غرب از عملیات تروریستی را اینگونه بیان می‌کند که عامل عملیات، امکان هرگونه اقدام قضایی بر علیه خود را از بین می‌برد: با مردن همراه قربانی‌اش و اجرای همزمان جرم و مجازات، مجازات را غیرممکن کرده و همچنین اختیارات پایه‌ای عدالتی بر پایه مجازات را از دستگاه قضایی صلب می‌کند چرا که نمی‌توان او را به‌دلیل کاری که انجام داده، مجازات کرد.

نفرتی که از بین بردن دشمنان خود با استفاده از هواپیمای بدون سرنشین در پی دارد، هم بدون شک بستری یکسان دارد. گوسترسون اینگونه ادامه می‌دهد: «خلبان هواپیمای بدون سرنشین دقیقا مثل کسی است که مرتکب عملیات تروریستی می‌شود زیرا او هم از دیدگاه ما، به نوعی در جهتی مخالف با دیدگاه «پاراتیگماتیک» ما نسبت به جنگ عمل می‌کند.»[۱۴]

1- Ansar Al-Awlaki

۲- Bart Everett رییس بخش ربوتیک مرکز سیستم‌های جنگی هوایی- فضایی در سانديياگو (Spawar). این جمله از کتاب زیر نقل شده است:

Peter W. Singer,Wired forWar: The Robotics Revolution and Conflict in the 21st Century, Penguin Books, NewYork, 2009.

3- Walter Benjamin, L'OEuvre d'art à l'époque de sa reproductibilité technique, Gallimard, Paris, 1991 (1re éd.:1955)

۴- همان منبع

5- Vladimir Zworykin

6- Radio corporation of America (RCA)

7- Vladimir K. Zworykin, «Flying Torpedo with an Electric Eye», 1934, dans Arthur F. Van Dyck, Robert S. Burnap, Edward T. Dickey et George M. K. Baker (sous la dir. de) , Television, vol. IV, RCA, Princeton, 1947.

۸- همان منبع

9- éthico-technique

10- Richard Cohen, «Obama needsmore than personality to win in Afghanistan», The Washington Post,6 octobre 2009

11- Richard Cohen, «Is theAfghanistan surge worth the lives that will be lost?», The Washington Post 8 décembre 2009.

12- Jacqueline Rose, ibid.

13- Hugh Gusterson, «An American suicide bomber ?», Bulletin of the Atomic Scientists,20 janvier 2010, www.thebulletin.org

۱۴- همان منبع

جنگ همان صلح خواهد بود

این متن که در سال ۱۹۷۳ توسط جوانان اندیشمند آمریکایی که در جریان ضد جنگ آمریکا و ویتنام شرکت داشتند به چاپ رسیده است، پایان بخش کتاب «تئوری هواپیمای بدون سرنشین» است. همان‌طور که نبرد هوایی بر نبرد زمینی چیرگی یافته است، گونه‌ای جدید از جنگ جایگزین نبرد هوایی خواهد شد که ما آن را «جنگ از راه دور» خواهیم خواند. پایه این نوع جنگ، سیستم هدایت از راه دور است. دستگاهی که در دوردست قرار دارد اطلاعات لازم را از طریق دریافت‌کننده‌هایی که بر بدنه‌اش نصب شده است، کسب می‌کند.

ویژگی‌های جنگ از راه دور می‌تواند از طرفی هم منجر به کاهش انتقادات از جنگ شود چرا که دیگر هیچ سرباز آمریکایی کشته یا اسیر نخواهد شد. دستگاه‌های جدید هیچ خانواده‌ای (مادر و همسری) ندارند که پس از شنیدن خبر مرگشان دست به اعتراض بزنند. «جنگ از راه دور» بسیار مقرون به صرفه خواهد بود و دیگر به کسانی که به هزینه‌های جنگ یا تورم اعتراض دارند، مجالی برای عرض اندام نمی‌دهد. به لطف دقت بالای دستگاه‌های جدید در نابودی هدفشان، هیچ آسیبی به طبیعت وارد نخواهد شد و به این ترتیب مجالی برای اکولوژیست‌ها برای اعتراض به نابودی محیط زیست فراهم نخواهد شد و باز هم موارد دیگر...

تنها مساله‌ای که ممکن است مورد استفاده کسانی که باز هم می‌خواهند اعتراض کنند قرار گیرد، مرگ و اسارت کسانی است که ارتش آمریکا آنها را «کمونیست»، «نیوکه» و در کل دشمن می‌خواند. اما البته، برای ارتش آمریکا تمام دنیا دشمنی است بالقوه، تمام تفاوت بین جنگ و صلح در نهایت از بین خواهد رفت و این دو واژه معنی یکسان پیدا خواهند کرد.

جدول۱۷۱۴

افقی:

۱ - حرکت خطرناک در رانندگی- با فرهنگ - خاندان ۲ - از توابع نایین - کافی - پرسش از مکان ۳ - وقت وهنگام - برش سینمایی - بازرس ۴ - آب دهان - در آب فرو رفتن - دردها ۵ - آینده - از حروف عربی - دزدی آبرومندانه ۶ -بازار سهام - مهربانی کردن - سختی ۷ - داخل - از اعیاد هندیها که در اوایل فصل بهار است -حرف گزینش ۸ - شهری در روسیه - از باشگاه‌های فرانسه ۹ - صحنه نمایش - زمینی که در آن پاره سنگ فراوان باشد - افسار ۱۰ - گروه ورزشی - گاو بزرگ - ماه نو ۱۱ - نام قدیم ایلام - کتابی ازلرد بایرون نویسنده انگلیسی - جانوری نابینا ۱۲ - نیکوتر - میز تدوین فیلم - بالای فرنگی ۱۳ - معلم مقطع متوسطه - از اجزای وضو - استان ادب پرور ایران ۱۴ - ماست چکیده - علم جادو و طلسم - اشاره شده ۱۵ - صد متر مربع - درس نوشتنی - از زیور آلات خانم‌ها

عمودی:

۱ - پرتو ماه - جلگه بزرگ علفزار -ای دل ۲ - ضمیر اشاره - حکم - شهری در استان خراسان رضوی ۳ - اهلی - حنا - حیران ۴ - ترس و بیم - از قاریان قرآن - کم کردن ۵ - نوعی بلیط - پایتخت میانمار - ناخن ستور ۶ - تمام‌کننده - دید و نظر - رغبت ۷ - تیر پیکاندار - پسری که سرش زلف دارد - خبر افشاگرانه - خورش پر روغن ۸ - طایفه‌ای در عصر هخامنش - جبرییل ۹ - مردمان - سوره بیستم قرآن - مشکین شهر سابق - تخم مرغ فرنگی ۱۰ - سم حشره کش - پایین آمدن - بزرگوار ۱۱ - پسوند ممالک و شهرها - آشفتگی - مطابق رسم و وضع حاضر ۱۲ - مردم یک کشور - همراه عروس - خوراک قناری ۱۳ - سرپرستی - رونده - علت ۱۴ - آشنا به رسوم همگانی - انقلابی فرانسه که در حمام کشته شد - درخت زبان گنجشک ۱۵ - جسد حیوان مرده - پیشی گرفتن - هافبک انگلیس

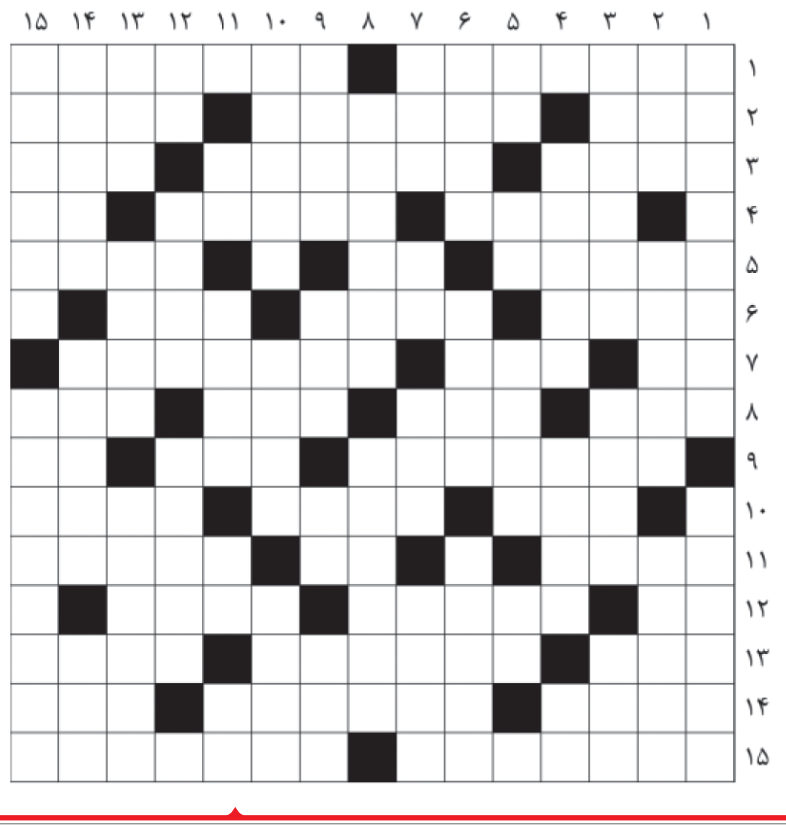

جدول۱۷۱۳

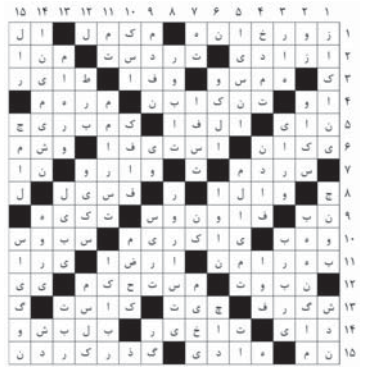

سودوکو سخت ۳۶۶

	۶		۱	۹		۳		
۳					۶	۱		
	۵			۴			۷	
۴			۳	۸				
	۷	۵		۲				
۶			۵	۷		۹	۸	
			۸		۷			
		۹		۶	۲			
			۹	۱	۵	۶		

حل سودوکو سخت

۴	۲	۶	۵	۱	۹	۷	۳	۸
۷	۵	۸	۳	۴	۶	۹	۱	۲
۱	۹	۳	۸	۲	۷	۶	۴	۵
۳	۸	۴	۶	۷	۲	۵	۹	۱
۶	۷	۲	۹	۵	۱	۸	۳	۴
۹	۱	۵	۴	۳	۸	۲	۶	۷
۸	۳	۷	۱	۶	۴	۵	۲	۹
۲	۶	۱	۷	۸	۵	۴	۹	۳
۵	۴	۹	۲	۹	۳	۱	۷	۶

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۷۱۷

		۹	۲		۱		۶	۸
۱	۶	۲				۳		
۵	۸	۳		۶				
			۹		۶	۲		
			۳		۲	۸	۱	۴
	۷	۴			۵		۹	
۴		۷	۶	۵	۸		۳	
				۹	۷		۵	۲
			۴		۳		۸	

حل سودوکو ۷۱۶

۵	۴	۲	۳	۶	۸	۷	۱	۹
۳	۷	۸	۴	۱	۹	۲	۶	۵
۱	۹	۶	۵	۷	۲	۴	۳	۸
۲	۸	۳	۶	۴	۱	۵	۹	۷
۷	۱	۹	۸	۲	۵	۳	۴	۶
۶	۵	۴	۹	۳	۷	۸	۲	۱
۹	۳	۱	۷	۸	۴	۶	۵	۲
۴	۲	۷	۱	۵	۶	۹	۸	۳
۸	۶	۵	۲	۹	۳	۱	۷	۴